

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال دوازدهم، شماره ۴۷، بهار ۱۳۹۹

صفحات: ۷۳-۸۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۳؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹

نوع مقاله: پژوهشی

## بررسی استراتژی سیاست توسعه هسته‌ای روسیه در خاورمیانه

محمد رضا موحدی\* / علیرضا رضایی\*\*

### چکیده

روسیه به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ طی سال‌های اخیر تلاش کرده است نقش فعال و موثری در مورد مسائل و تحولات منطقه خاورمیانه داشته باشد، به طوری که به جنگ سوریه ورود پیدا کرد و از طرفی با کشورهای حوزه خلیج فارس نیز مراودات و تعاملات گسترده‌ای را آغاز کرد. در این میان فناوری هسته‌ای روسیه به عامل جذابی برای کشورهای خاورمیانه تبدیل شده است و کشورهای حوزه خلیج فارس علاقه بیشتری برای همکاری با روسیه در این زمینه از خود نشان می‌دهند و از طرفی مسکو نیز با رویکردی مثبت به این واکنش، می‌کوشد به این نیازها پاسخ دهد. این تحقیق به دنبال پاسخ به پرسشی است که اساساً استراتژی سیاست توسعه هسته‌ای روسیه در خاورمیانه چیست؟ برای پاسخ به این سوال باید اذعان داشت که روسیه به عنوان یک قدرت هسته‌ای می‌کوشد با اتخاذ استراتژی سیاست توسعه هسته‌ای موقعیت سیاسی و عمق نفوذ خود در منطقه خاورمیانه را افزایش دهد و این امر از طریق گسترش فعالیت‌ها و مراودات اقتصادی به ویژه در زمینه فناوری هسته‌ای به کشورهای خاورمیانه مهیا می‌گردد. چنین رویکردی موجب می‌شود روسیه در کنار سایر بازیگران فرامنطقه‌ای در خاورمیانه به ویژه آمریکا حضوری فعال‌تر و نفوذی موثرتر داشته‌باشد و به نوعی سهم بیشتری در تصمیمات در این منطقه داشته‌باشد.

### کلیدواژه‌ها

خاورمیانه؛ سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه؛ موازنه نرم؛ سیاست توسعه هسته‌ای روسیه؛ فناوری هسته‌ای.

\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

\*\* دانشیار روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

## ۱. بیان مسأله

پیشینه حضور روسیه در خاورمیانه به دوره تزارها برمی‌گردد، دوره‌ای که بخش عمده‌ای از مناسبات و فعالیت‌های روسیه تزاری بر اساس تحولات ژئوپلیتیکی قابل‌ارزیابی بود، اما در دوره شوروی سابق، ایدئولوژی و تقسیم‌بندی بلوک شرق و غرب مبنای برقراری ارتباط با کشورها در خاورمیانه بود. خاورمیانه به دلیل وجود منابع عظیم نفتی و گازی و موقعیت خاص ژئوپلیتیکی همواره مورد توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است و همین امر موجب شده تا روسیه نیز به خاورمیانه نگاهی ویژه داشته باشد، اما این حضور و نقش آفرینی این کشور به دلایل مختلف با فراز و فرودهایی همراه بوده است. به طور کلی، روسیه سیاست خود در خاورمیانه را با توجه به سه نگرش سیاسی، اقتصادی و امنیتی دنبال کرده و البته هر یک از آن‌ها با توجه به فراخور زمان متفاوت از یکدیگر بوده است. تا پیش از وقوع انقلاب‌های عربی در شمال آفریقا و خاورمیانه، روسیه با افزایش پیوندهای خود با کشورهای منطقه به دنبال افزایش قدرت بازیگری خود در منطقه بود و از این طریق کاهش نفوذ ایالات متحده را در حوزه بازیگری خود یعنی آسیای مرکزی و قفقاز پیگیری می‌کرد. همچنین روسیه درصدد بود تا از یک سو پیوندهای اقتصادی خود را با کشورهایی چون ایران، سوریه و کشورهای حوزه خلیج فارس افزایش دهد تا بتواند بازارهای سودمند آن‌ها را در دست گیرد و از سوی دیگر امنیت مرزهای جنوبی خود را تامین نماید (سهرابی، ۱۳۹۲).

روسیه نظام بین‌الملل چندقطبی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی را می‌خواهد و اساس عملکرد خود را در این چارچوب مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی در عرصه نظام بین‌الملل می‌داند. روسیه حل مشکلات را از طریق مشارکت در ساختارهای بین‌المللی موجود و تقویت آن‌ها مورد تأکید قرار می‌دهد. روس‌ها دیگر خود را صرفاً به عنوان قدرت منطقه‌ای نمی‌دانند، بلکه خود را محق می‌دانند که در مدیریت مسائل جهانی و استراتژیک شرکت داشته باشند. از طرف دیگر سیاست‌های روسیه در عرصه بین‌المللی چندوجهی شده است و از توجه به یک بخش رها شده و ابعاد مختلف یافته است. توجه به آسیا به طور جدی دنبال می‌شود، ارتباط با اروپا و ایجاد فضا و شرایط مساعد برای توسعه اقتصادی، از اهداف دیگر سیاست‌های کلان روسیه است. نکته دیگر، فقدان یک متحد جدی برای روسیه در نظام بین‌الملل است. اگرچه از چینی‌ها به عنوان متحد استراتژیک روسیه یاد می‌شود، ولی چین و روسیه در وضعیتی نیستند که بتوانند برابر غرب، قطب جدیدی را ایجاد کنند. روس‌ها معتقدند که دوران تک‌قطبی با مشکلاتی جدی مواجه خواهد بود، بنابراین جهان به سمت نظام چندقطبی در حرکت است (رضایی، ۱۳۹۱: ۲۲۴-۲۲۳).

حضور جدی روسیه در تحولات اخیر این منطقه از جمله موضوع سوریه را می‌توان ترجمانی از تلاش روسیه برای احیای جایگاه تضعیف‌شده خود در خاورمیانه دانست که به دنبال بیم از دست رفتن اندک

## \_\_\_\_\_ بررسی استراتژی سیاست توسعه هسته‌ای روسیه در خاورمیانه

مواضع موجود خود در این منطقه در فضای بعد از تحولات عربی و نیز بازگشت به جمع قدرت‌های بزرگ و مشارکت در تعیین ترتیبات آتی این منطقه دانست (کرمی، نوری، ۱۳۹۱)

با این حال نگرش‌های متفاوتی نسبت به علت تقویت حضور روسیه در خاورمیانه وجود دارد که تابع چه محرک‌هایی روسیه به این منطقه توجه جدی‌تری نسبت به گذشته دارد. با مقدمه مذکور پرسش نگارنده این است که استراتژی سیاست توسعه روسیه در خاورمیانه چیست؟ پاسخ موقت به پرسش این است که روسیه به عنوان یک قدرت هسته‌ای می‌کوشد با اتخاذ استراتژی سیاست توسعه هسته‌ای موقعیت سیاسی و عمق نفوذ خود در منطقه خاورمیانه را افزایش دهد و این امر از طریق گسترش فعالیت‌ها و مراودات اقتصادی به ویژه در زمینه فناوری هسته‌ای به کشورهای خاورمیانه مهیا می‌گردد. چنین رویکردی موجب می‌شود روسیه در کنار سایر بازیگران فرامنطقه‌ای در خاورمیانه به ویژه آمریکا حضوری فعال‌تر و نفوذی موثرتر داشته باشد و به نوعی سهم بیشتری در تصمیمات در این منطقه داشته باشد. در این تحقیق برای درک و مشخص شدن بهتر موضوع از چارچوب نظری موازنه نرم بهره گرفته شده است تا ابعاد رفتاری روسیه در خاورمیانه پس از وقوع درگیری در این منطقه مورد ارزیابی قرار گیرد که مسکو برای کنترل اوضاع و همچنین تقویت حضور در خاورمیانه چگونه رفتاری را در پیش گرفته است.

### ۲. چارچوب نظری

رنالیسم به عنوان مکتب نظری غالب روابط بین‌الملل در دوره پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود. این رویکرد ضمن پاسخگویی به بسیاری از انتقادات، همچنان به عنوان یکی از نظریه‌های برجسته روابط بین‌الملل تداوم یافته است. با این وجود، انتقادات وارده به رنالیست‌ها، تئوریسین‌های روابط بین‌الملل را بر آن داشت تا سعی در بازتولید خود در برابر انتقادات وارده به ویژه از طرف نظریه سازه‌انگاری نمایند. چرا که عدم توجه به مباحث غیر مادی در روابط بین‌الملل، ایرادی بود که از طرف مخالفان دیدگاه‌های رنالیستی و نئورنالیستی ابراز می‌شد. البته علاوه بر آن، در ایجاد این نگرش در رنالیست‌ها نمی‌توان نقش پایان جنگ سرد و اهمیت یافتن مباحث غیر مادی در کنار مسائل مادی در روابط بین‌الملل و همچنین وقایع یازدهم سپتامبر را از نظر دور داشت. در همین راستا رنالیست‌ها در روابط بین‌الملل سعی نمودند جریانی را تحت عنوان «ایجاد موازنه نرم» تئوریزه کنند که عمدتاً در مقابل دیدگاه قدیمی موازنه قدرت که از آن تحت عنوان «ایجاد موازنه سخت» نام می‌برند، قرار می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۷).

موازنه نرم دارای دو شکل بیرونی و درونی است. در شکل بیرونی بر تلاش‌های دیپلماتیک در نهادهای بین‌المللی تاکید می‌شود، در حالی که در شکل درونی به بسیج منابع درونی و نیز تلاش‌های سیاسی،

اقتصادی، و نظامی یک دولت با هدف افزایش توانایی‌اش برای رویارویی با تهدیدهای مطرح شده از سوی قدرت برتر، تاکید می‌گردد.

پائول در مقاله «موازنه نرم در دوره برتری ایالات متحده آمریکا» برآنست که کشورها با توجه به موارد زیر به برقراری موازنه نرم اقدام نمی‌نمایند:

الف) وضعیت و رفتار نظامی قدرت هژمون، هرچند باعث ایجاد نگرانی‌ها نشود و برای حاکمیت قدرت‌های درجه دوم چالش جدی ایجاد نکند.

ب) دولت هژمون یک منبع عمده غیرعمومی در عرصه‌های امنیتی-اقتصادی است و به راحتی نمی‌توان دیگری را جایگزین آن نمود.

ج) دولت هژمون نمی‌تواند به راحتی اقدام‌های انجام شده در قالب موازنه نرم را تلافی کند. هم به این دلیل که تلاش‌های موازنه دهنده دیگران خیلی آشکار نیست و هم به این دلیل که آن‌ها به طور مستقیم موقعیت قدرت او را با ابزار نظامی به چالش نمی‌کشند.

رابرت پاپ مبنای تئوریک مطلوبی برای فهم موازنه نرم ارائه کرده است. طبق دیدگاه پاپ، هدف ایجاد موازنه نرم را می‌توان خنثی کردن عملکرد دولت در حال رهبری بدون مقابله مستقیم دانست. معیار موفقیت موازنه نرم، تنها کنار گذاشتن یک سیاست از سوی ابرقدرت نیست، بلکه حضور دولت‌های بیشتر در ائتلاف موازنه‌گر علیه ابرقدرت نیز معیار خوبی است.

پاپ عوامل زیر را به عنوان اصول موازنه نرم برمی‌شمارد:

۱. عدم پذیرش سرزمینی: قدرتهای درجه دوم بیشتر از سرزمین‌های دیگر جهت انجام مانورها و عملیات نظامی سود می‌برند. بنابراین رد دسترسی سرزمینی کشورهای دیگر، موفقیت قدرت هژمون را در پیروزی کاهش می‌دهد.

۲. دیپلماسی گیر انداختن: از آنجایی که قدرت‌های برتر هم نمی‌توانند تصمیم‌های سازمان‌های بین‌المللی را نادیده بگیرند و به هدف‌های خود بدون توجه به آن‌ها دست یابند، بر این اساس دولت‌های دیگر می‌توانند با استفاده از این نهادها قدرت هژمون را برای جنگ یا حمله کاهش دهند و از این راه برای آمادگی بیشتر جهت دفاع از خود فرصت‌های مناسبی به دست آورند.

۳. تقویت قدرت اقتصادی: قدرت نظامی دولت‌هایی را تهدید می‌کند که هدف‌ها را در جهت ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون دنبال می‌کنند. به این دلیل قدرت عظیم اقتصادی می‌تواند پشتوانه خوبی باشد. در این راه ایجاد بلوک‌های اقتصادی انحصاری بدون حضور قدرت هژمون و بالا بردن رشد اقتصادی و تجاری می‌تواند سودمند باشد.

۴. عزمی راسخ برای موازنه: قدرتهای درجه دوم می‌توانند با ایجاد پیمان‌های دسته‌جمعی برابر قدرت هژمون که نیاز به همراهی دیگر قدرتها جهت جامه عمل پوشاندن به برخی هدف‌های خود دارد

### بررسی استراتژی سیاست توسعه هسته‌ای روسیه در خاورمیانه

ایستادگی کنند. این مسأله ضمن آنکه سبب می‌شود تا اعتماد این قدرت‌ها به توانایی ایجاد موازنه در برابر قدرت همزمن افزایش یابد، موجب تشویق دیگر دولت‌ها در جهت پیوستن به ائتلاف می‌شود. (رضایی، ۱۳۹۱: ۸۲-۸۰)

با توجه به مطالب و رویکرد بالا و اعمال راهبردهای روسیه در قبال خاورمیانه در دوره جدید تحت رهبری پوتین می‌توان سیاست خارجی این کشور را در چارچوب نظری موازنه نرم مورد بررسی و تحلیل قرار داد. در واقع تلاش‌های روسیه برای تقویت حضور و نفوذ در خاورمیانه ابزاری است برای ایجاد موازنه قوا برابر ایالات متحده آمریکا است.

### ۳. رویکرد سیاست خارجی روسیه به خاورمیانه

سابقه سیاست خاورمیانه‌ای روسیه به روابط روسیه تزاری با کشورهای منطقه می‌رسد؛ به آن زمان که روسیه تزاری با پیشروی در شمال ایران با نفوذ سیاسی-نظامی بریتانیا در کشور همسایه‌اش یعنی ایران مقابله می‌کرد. در این دوره مهمترین مسأله شرق (برای روسیه) تصرف کنترل تنگه‌های دریای سیاه و انضمام قسطنطنیه بود. روسیه کمونیستی، کارگران مسلمان شرق را متحدانی تلقی می‌کرد که در منازعه انقلابی با استعمار و سرمایه‌داری غرب مقابله می‌نمایند و پس از جنگ دوم جهانی، زمانی که اتحاد شوروی به یک ابرقدرت تبدیل شد، نقش سیاسی، نظامی و اقتصادی فعال‌تری را در خاورمیانه ایفا نمود که در جنگ سرد میان اتحاد شوروی و ایالات متحده به نمایشی بدل گردید. در حقیقت، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در هر مرحله از تاریخ این کشور شاهد تغییر و تحولات متناثر از برهه تاریخی خاص بوده است (سهرابی، ۱۳۹۲).

مسکو در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ به کلی حضور و نفوذ در خاورمیانه را رها کرد؛ سپس از سال ۱۹۹۳، پریماکف، در کنار چین و هند نیم نگاهی به این منطقه افکند و به عقد «نگاه به شرق» چارچوب سیاست قراردادهای نظامی و صدور سلاح پرداخت. در حالی که از یکسو، روسیه در موقعیتی نبود که بتواند از موضع یک کمک‌دهنده مالی بزرگ برای افزایش نفوذ سیاسی بین متحدان سنتی شوروی مانند دوره قبل، کمک‌های نظامی گسترده ارسال کند و از سوی دیگر، نمی‌توانست به منطقه سلاح صادر نکند؛ زیرا به درآمدهای حاصل از آن کاملاً متکی بود. بنابراین، پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همکاری‌های نظامی روسیه با دولت‌های منطقه در مقایسه با همکاری‌های نظامی شوروی دچار تغییری مهم شد (بهمن، ۱۳۹۱).

در دهه نود میلادی و دوران ریاست جمهوری یلتسین، روسیه به منظور فائق آمدن به مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ارائه تصویری جدید از این کشور در عرصه روابط بین‌الملل به عنوان یکی از قدرت‌های برتر، سیاست تعامل و همراهی با غرب به ویژه آمریکا را در پیش گرفت و همین امر بر

رفتار این کشور در خاورمیانه نیز تاثیر گذاشته بود. منطقه خاورمیانه به ویژه موضوع فلسطین و عراق دو موضوع مهم سیاست خارجی روسیه در سال‌های گذشته بوده است. این کشور با توجه به سابقه سنتی همکاری با اعراب به ویژه کشورهایی مانند سوریه و عراق در بحران جنگ اسرائیل از زمینه‌های مناسبی برای حضور فعال در این منطقه برخوردار بوده است؛ لذا روس‌ها طی سال‌های گذشته در جهت فعال کردن سیاست خارجی خود در این منطقه و استفاده از پتانسیل‌های موجود و همچنین بازیابی اعتبار و پرستیژ خود در منطقه خاورمیانه بسیار فعال بوده اند. مهم ترین اهداف روسیه برای حضور فعال در خاورمیانه به شرح ذیل است:

- روسیه طی سال‌های گذشته از ایفای نقش موثر در تحولات بین‌المللی کنار گذاشته شده بود، لذا تلاش کرد به ایجاد و حفظ اعتبار بین‌المللی خود همت گمارد.

- همکاری با کشورهای ثروتمند عربی از نظر اقتصادی برای روسیه حائز اهمیت است به ویژه این همکاری در دو بخش انرژی و نظامی که دو طرف دارای زمینه‌های مناسبی هستند، می‌تواند انجام شود. - حدود بیست درصد جمعیت روسیه را مسلمانان تشکیل می‌دهند و دولت این کشور به خوبی آگاه است در صورتی که از این مسأله به عنوان یک امتیاز مثبت در همکاری با کشورهای مسلمان استفاده کند، می‌تواند از مزایای اقتصادی، امنیتی و سیاسی آن استفاده نماید. در نتیجه حضور فعال در مسأله خاورمیانه می‌تواند باعث اعتمادسازی بیشتر با کشورهای عربی شود.

- با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از جمعیت اسرائیل را مهاجرین روسی تشکیل داده و از طرفی بخش مهمی از حاکمیت روسیه به ویژه در بخش اقتصادی در اختیار کسانی است که بیشتر یهودی بوده و دارای ارتباط خوبی با محافل صهیونیستی هستند و از طرفی هر یک از دو گروه در رقابت های داخلی برای کسب قدرت بسیار موثر است، در نتیجه حضور فعال دولت روسیه در مسأله خاورمیانه می‌تواند در رسیدن به اهداف داخلی این کشور نیز موثر باشد(صفری، ۱۳۸۴: ۸۹-۸۷).

برای تبیین سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه، موضع این کشور در ارتباط با دو جنگی که در دهه اول قرن بیست و یکم، ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه به راه انداخت جنگ عراق و افغانستان مهم است. به طور کلی، روسیه همواره به صورت پنهان و آشکار با حضور ایالات متحده در منطقه خاورمیانه مخالفت کرده است، به ویژه زمانی که این حضور با مداخله نظامی و حمایت نشدن از سوی سازمان ملل همراه بوده، مخالفت مسکو با آن شدیدتر بوده است. برای تأیید این مطلب می‌توان به سخنان دیمیتری مدودف، رئیس جمهوری پیشین روسیه در گردهمایی بین‌المللی حقوقی در سنت پترزبورگ اشاره کرد که به طور صریح عنوان نمود که مداخله نظامی از خارج در امور دولت‌های مستقل، می‌تواند به جنگ‌های منطقه‌ای با استعمال سلاح اتمی منجر شود. وی همچنین از جنگ عراق به عنوان یکی از جنگ‌هایی که نماد تجاوز به استقلال کشورهاست، یاد کرد(کولای، نوری، ۱۳۸۹).

## بررسی استراتژی سیاست توسعه هسته‌ای روسیه در خاورمیانه

روسیه نظام بین‌الملل چندقطبی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی را می‌خواهد و اساس عملکرد خود را در این چارچوب مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی در عرصه نظام بین‌الملل می‌داند. روسیه حل مشکلات را از طریق مشارکت در ساختارهای بین‌المللی موجود و تقویت آن‌ها مورد تأکید قرار می‌دهد. روس‌ها دیگر خود را صرفاً به عنوان قدرت منطقه‌ای نمی‌دانند، بلکه خود را محق می‌دانند که در مدیریت مسائل جهانی و استراتژیک شرکت داشته باشند. از طرف دیگر سیاست‌های روسیه در عرصه بین‌المللی چندوجهی شده است و از توجه به یک بخش رها شده و ابعاد مختلف یافته است. توجه به آسیا به طور جدی دنبال می‌شود، ارتباط با اروپا و ایجاد فضا و شرایط مساعد برای توسعه اقتصادی، از اهداف دیگر سیاست‌های کلان روسیه است. نکته دیگر، فقدان یک متحد جدی برای روسیه در نظام بین‌الملل است. اگرچه از چینی‌ها به عنوان متحد استراتژیک روسیه یاد می‌شود، ولی چین و روسیه در وضعیتی نیستند که بتوانند برابر غرب، قطب جدیدی را ایجاد کنند. روس‌ها معتقدند که دوران تک‌قطبی با مشکلات جدی‌ای مواجه خواهد بود، بنابراین جهان به سمت نظام چندقطبی در حرکت است (رضایی، ۱۳۹۱: ۲۲۳-۲۲۴).

وقوع تحولات عربی در خاورمیانه و بروز درگیری نظامی در سوریه و عراق نگرش و رویکرد روسیه را به مسائل خاورمیانه و تحولات به این گونه تغییر داد. تحرک روسیه در خاورمیانه در شرایطی پیش رفته است که از این ابزار برای مذاکرات با اروپاییان و آمریکایی‌ها برای رفع فشارهای تحریم‌ها علیه خود استفاده می‌کند، روسیه از منطق چندجانبه‌گرایی برای حل و فصل مسائل بین‌الملل بهره می‌گیرد تا از این راه به وضعیت سیاسی در عرصه بین‌المللی و اقتصادی خود بهبود ببخشد و از طرفی بتواند از ظرفیت‌های حضور در خاورمیانه برای دفع تهدیدات امنیتی استفاده کند. با این حال نگرش‌های متفاوتی نسبت به علت تقویت حضور روسیه در خاورمیانه وجود دارد که تابع چه شرایطی است، مطالعه و ارزیابی این نگرش‌ها کمک می‌کند تا دریابیم دوران ریاست جمهوری پوتین، روسیه بر اساس چه رویکردی به خاورمیانه شکل گرفته است.

**۱-۳. رویکرد سیاسی:** این نگرش معتقد است که رفتار سیاسی روسیه در خاورمیانه بر اساس نحوه تعامل با آمریکا تنظیم شده است، به طوری که مسکو بتواند از ظرفیت‌های موجود در این منطقه به نفع خود در شرق اروپا، آسیای مرکزی و قفقاز مقابل آمریکا بهره گیرد و از توسعه نفوذ واشنگتن در این منطقه‌ها جلوگیری کند. در واقع روسیه حفظ موقعیت برتر ژئوپلیتیکی نسبت به آمریکا در خاورمیانه را به دلیل دور نگه داشتن این کشور از مرزهای خود، مهم قلمداد می‌کند.

بر این اساس، عمده سیاستمداران روسی، حضور آمریکا در منطقه خارج نزدیک خود را تهدیدی ژئوپولیتیک و همکاری خود با آن کشور را اقدامی اشتباه تلقی می‌نمایند. طبق این نگرش، روسیه به ازای همکاری خود با ایالات متحده آمریکا در زمینه مبارزه علیه تروریسم که پس از رویدادهای ۱۱

سپتامبر ۲۰۰۱ صورت گرفته است، آنچه را که انتظار داشته دریافت نکرده است. پریماکوف در مقاله‌ای تحت عنوان «جهان پس از ۱۱ سپتامبر» چنین می‌نویسد: «پس از ۱۱ سپتامبر، هیچ چیز تغییر نکرده است جز تحکیم موقعیت ژئوپولیتیک آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز و نیز افزایش یک‌جانبه‌گرایی این کشور در نظام بین‌الملل». به باور سیاست‌مداران روسی، هرچه آمریکا در بحران‌ها و مسائل مختلف خاورمیانه‌ای نظیر: بی‌ثباتی و ناامنی در عراق و افغانستان، برنامه هسته‌ای ایران، فرآیند صلح خاورمیانه، تسلیحات کشتار جمعی، تروریسم و... غوطه‌ور شود، انرژی سیاست خارجی آن کشور جهت مداخله در حوزه نفوذ سنتی روسیه در منطقه اوراسیا تحلیل خواهد رفت. از این نظر، مقابله با نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز، بالتیک و اروپای شرقی، به ویژه اوکراین، به آسانی امکان‌پذیر نیست. تنها با به چالش کشیدن منافع و سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه است که مسکو می‌تواند توجهات آن کشور را از نواحی یاد شده به دیگر نقاط سوق دهد. (کیانی، ۱۳۸۷)

بر اساس اسناد مهم سیاست خارجی و امنیت ملی روسیه خاورمیانه در شرایط کنونی به چند دلیل برای روس‌ها حائز اهمیت است:

۱. مجاورت فیزیکی: روسیه از طریق ایران و ترکیه عملاً با منطقه خاورمیانه همسایه است. ضمن آنکه مسافت میان گروزنی پایتخت چچن و موصل عراق حدود ۶۰۰ مایل است. بنابراین مجاورت فیزیکی و همسایگی یکی از مهمترین دلایلی است که منطقه خاورمیانه را برای روس‌ها با اهمیت می‌کند.
۲. عامل مشترک مسلمانان: با فروپاشی شوروی، عملاً دیواری که میان مسلمانان روسیه و سایر مسلمانان کشیده شده بود، فرو ریخت. در حال حاضر حدود یک هفتم جمعیت روسیه را مسلمانان تشکیل می‌دهند که رو به رشد نیز هستند.
۳. یهودیان روس تبار: حدود ۲۰ درصد از جمعیت اسرائیل را یهودیانی تشکیل می‌دهند که سابقاً در اتحاد جماهیر شوروی زندگی می‌کردند. تقریباً اکثر این عده در حال حاضر می‌توانند به زبان روسی صحبت کنند.
۴. ناآرامی‌های مذهبی و سیاسی مداوم در جهان اسلام: ورود اندیشه‌های رادیکال و جنگ‌طلب از خاورمیانه به قفقاز شمالی و به خصوص جمهوری‌های تاتارستان و باشقیرستان همواره موجب نگرانی روس‌ها بوده است. تاتارستان و باشقیرستان همواره موجب نگرانی روس‌ها بوده است.
۵. منابع انرژی: روسیه خود را به عنوان یک قدرت در حوزه انرژی به حساب می‌آورد و به دنبال فرصت در مرزهای جنوبی خود می‌گردد.
۶. حضور نظامی آمریکا: روس‌ها همواره با دقت تحرکات و سیاست‌های نظامی را در منطقه دنبال کرده‌اند. در این بین به خصوص لشکرکشی آمریکا به عراق و افغانستان، موجب توجه بیشتر روسیه به حضور نظامی در منطقه خاورمیانه شده است (اطهری، بهمن، ۱۳۹۰).



## \_\_\_\_\_ بررسی استراتژی سیاست توسعه هسته‌ای روسیه در خاورمیانه

روسیه از زمان بروز بحران و تشدید درگیری‌ها، قدرت گرفتن گروه‌های تروریستی و افزایش اختلافات قومی و مذهبی در خاورمیانه با صراحت بیشتری نسبت به تحولات خاورمیانه اظهار نظر می‌کند و مواضع خود را در این باره ابراز می‌کند، تجربه ناموفق این کشور در جنگ لیبی و نگرانی از کشیده شدن ناآرامی‌ها به سمت روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز روسیه را بر آن داشت که علاوه بر ایجاد توازن رفتاری با آمریکا در خاورمیانه به صورت غیرمستقیم با تهدیدات احتمالی علیه مسکو مقابله کند و همین امر کمک کرد روسیه در بخش‌های مورد نزاع همچون صلح خاورمیانه، مسأله درگیری‌های یمن و بحرین، جنگ سوریه، مبارزه با تروریسم ورود پیدا کند. از طرفی ارتقای ظرفیت‌های سیاسی روسیه در عرصه بین‌الملل و خاورمیانه دستاوردهایی در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و امنیتی برای این کشور به همراه داشته است.

**۲-۳. رویکرد اقتصادی:** این نگرش اعتقاد دارد که روسیه پس از فروپاشی شوروی سابق و پایان عصر بلوک شرق و غرب نگاه عمیقی به خاورمیانه ندارد و به عنوان اولویت نخست مسکو در برنامه‌های راهبردی قرار ندارد. رویکرد اقتصادی روسیه به خاورمیانه همچنان از منظر انرژی، فروش تسلیحات نظامی و تامین خواسته‌های اقتصادی قابل ارزیابی است.

مزایای حضور گسترش یافته روسیه در خاورمیانه صرفاً سیاسی نیست؛ مهم ترین تأثیرات تحریم‌های ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا علیه روسیه ماهیتی اقتصادی-مالی دارد. روسیه از مدت‌ها پیش در تجارت نفت خام اقلیم کردستان فعالیت داشته (و از مزایای قیمت کمتر از بازار نفت این منطقه سود می‌برد) و به عنوان مثال، شرکت «روس-نفت»، نفت را پیش خرید کرده و به پالایشگاه‌های اروپایی صادر می‌کند. مهم‌تر از آن، تاجران نفتی همچنین قادر خواهند بود تا شرکت‌های نفتی روسیه را به منابع جدید مالی متصل نمایند. مهم ترین مثال این اقدام، سرمایه‌گذاری مشترک شرکت «گلنکور» و «سازمان سرمایه‌گذاری قطر» در فروش ۱۹/۵ درصد از محصولات روس-نفت روسیه در دسامبر ۲۰۱۶ میلادی بود که همین امر نیز بر تحکیم بیش از پیش ارتباطات انرژی روسیه با خاورمیانه، تأثیر گذاشت، چرا که چنین تعاملی این پیام را به کشورهای منطقه مخابره کرد که سرمایه‌گذاری مستقیم در روسیه از سوی سرمایه‌گذاران کشورهای منطقه با استقبال گرم این کشور روبرو خواهد شد. اتفاقاً، این قرارداد ممکن است با توجه به اقدام اخیر عربستان سعودی و دو کشور دیگر حاشیه جنوبی خلیج فارس در کاهش روابط با قطر، مسکو را در مرکز یک مثلث دیپلماتیک منطقه‌ای دیگر قرار دهد. با وجود این، واضح است که حفظ روابط دوستانه در تمامی جبهه‌ها و با تمامی کشورهای منطقه، چالشی برای مقامات روسیه به شمار می‌آید (اطهری، بهمن، ۱۳۹۰).

در مجموع می‌توان از برآیند فعالیت‌های اقتصادی روسیه در حوزه انرژی، تجارت و فروش تسلیحات نظامی اذعان داشت که روسیه درصدد ایجاد و حفظ روابط با تقریباً همه بازیگران دولتی و غیردولتی در

خاورمیانه است. به عنوان مثال موفقیت‌هایی را با کشورهای حوزه خلیج فارس و اسرائیل در روابط دو جانبه داشته است و روابط با ایران را بر سر فروش تسلیحات نظامی تقویت کرده است. با این حال مشی عمل گرایانه روسیه در خاورمیانه مسلماً به دلیل گستردگی نوع فعالیت‌ها محدودیت‌هایی را برای این کشور ایجاد می‌کند و ممکن است این نوع رفتار با اعتراض برخی کشورها به ویژه اسرائیل و کشورهای حوزه خلیج فارس همراه شود.

**۳-۳. رویکرد امنیتی:** نگرش امنیتی به منطقه خاورمیانه یکی دیگر از دیدگاه‌هایی است که اعتقاد دارد روسیه از ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی خود برای دفع تهدیدات امنیتی علیه خود استفاده می‌کند، به این معنی که روسیه تامین امنیت خود را متأثر از تحولات خاورمیانه قلمداد می‌کند. در واقع بروز هرگونه اختلال در صلح و ثبات منطقه خاورمیانه ممکن است بر امنیت روسیه تأثیرگذار بوده و قطع نظر از زیان‌های اقتصادی، این کشور را وارد منازعاتی دامنه‌دار سازد. علت اصلی این نگرانی نیز آن است که بیش از بیست میلیون مسلمان در نوار جنوبی این کشور خصوصاً در بخش قفقاز شمالی ساکن هستند. افزایش نرخ زاد و ولد مسلمانان در روسیه به موازات کاهش جمعیت اسلاوی ارتدوکسی روسیه، این نگرانی را تشدید نموده است. بر اساس رویکرد امنیتی، روسیه در دور دوم ریاست جمهوری پوتین، در پی بهبود تصویر بین‌المللی خود نزد جوامع اسلامی است. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که شوروی در دوره نظام دوقطبی توانسته بود از رهگذر برقراری روابط مستحکم با جوامع خاورمیانه‌ای، که دارای گرایش‌های ضدغربی نیز بودند، به نوعی خود را به عنوان مدافع اسلام معرفی نماید. این مساله در حالی است که روسیه به عنوان جانشین شوروی، نتوانست این جایگاه را حفظ نماید. جنگ‌های روسیه با چین، در کنار سیاست‌های حمایت‌گرانه مسکو از صربستان، در خصوص منطقه بوسنی و کوزوو، منجر به تضعیف موقعیت این کشور نزد جهان عرب و اسلام در دهه ۱۹۹۰ شده بود. به گونه‌ای که به گفته پل ریولین، روسیه در پایان این دهه، نزد جوامع یادشده نه مدافع بلکه دشمن اسلام معرفی شده است. ورود جدی روسیه به مساله جنگ سوریه که به یک معضل بین‌المللی تبدیل شده است، فارغ از اینکه پیوند سیاسی بین این دو کشور از گذشته وجود دارد، روسیه به لحاظ ژئوپلیتیکی در خاورمیانه نیاز به پایگاهی دارد تا بتواند از موقعیت خود برای دسترسی به مسیرهای آبی بهره گیرد، ضمن اینکه دفاع از بشار اسد و مقابله با تروریست‌ها در سوریه زمینه‌ای برای تثبیت موقعیت مسکو در منطقه خاورمیانه و مقابله با آمریکا و هم‌پیمانانش قلمداد کرد تا از این مسیر بتواند برگ برنده‌ای برای مذاکرات با غرب و اخذ امتیازاتی در این مسیر داشته باشد. نکته دیگر تشدید نگرانی‌های امنیتی روسیه از تسری یافتن جنگ به مناطق مسلمان‌نشین در روسیه است که رادیکالیسم مذهبی و اقدامات تروریستی به داخل این کشور کشیده شود، از همین رو پوتین تلاش می‌کند با اتخاذ سیاست تهاجمی در قبال ناآرامی‌های منطقه خاورمیانه به ویژه در سوریه، موانع لازم را برای دفع تهدیدات احتمالی ایجاد

#### ۴. رویکرد دیپلماسی هسته‌ای روسیه در خاورمیانه

روسیه به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ هسته‌ای طی سال‌های اخیر کوشیده است نگرش هسته‌ای خود را در خاورمیانه تعمیق بخشد، از طرفی علاقه کشورهای خاورمیانه برای داشتن نیروگاه هسته‌ای زمینه مساعدی را برای پیوند خوردن روسیه و کشورهای خاورمیانه ایجاد کرده است. مسکو ذیل راهبرد کلان و سیاست خارجی خود در قبال خاورمیانه از قدرت و توان هسته‌ای به عنوان یک بازوی پیشرو در سیاست خارجی خود بهره می‌گیرد که این روش کمک می‌کند برنامه‌ها و اهداف مسکو در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در خاورمیانه به نوعی تأمین گردد. توسعه دیپلماسی هسته‌ای روسیه امروز به یکی از راهبردهای کلان این کشور تبدیل شده است و به مسکو کمک می‌کند اعتبار این کشور در سطح بین‌المللی ارتقاء پیدا کند و زمینه‌های بی‌اعتمادی به روسیه تا حدودی از بین برود و از طرف دیگر ساخت نیروگاه هسته‌ای برای کشورهای خاورمیانه منابع درآمدی پایدار و مناسبی را برای روسیه ایجاد می‌کند که نتیجه این برنامه به تقویت رویکرد سیاست خارجی روسیه در قبال خاورمیانه منجر خواهد شد.

روسیه از کشورهای پیشرو در زمینه صنعت هسته‌ای است و از سوی کشورهای خاورمیانه‌ای نیز تلاش‌های خود را برای استفاده از صنعت هسته‌ای در تولید برق، شیرین‌سازی آب‌های شور آغاز کرده است. ایران اولین کشوری بوده که رسماً قراردادی به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار برای تکمیل نیروگاه بوشهر با روسیه به امضاء رسانده است. حتی توافقاتی نیز انجام شده تا روسیه در ازاء دریافت میزان مشخصی گاز طبیعی، دو نیروگاه هسته‌ای ۴۴۰ کیلوواتی برای ایران بسازد. من حیث المجموع روس‌ها پیش‌بینی کردند که همکاری با ایران در طرح‌های توسعه صنعت هسته‌ای آن کشور هفت تا هشت میلیارد دلار درآمد عاید آن‌ها سازد. دیگر کشورهای خاورمیانه نیز تلاش برای بهره‌مندی از صنعت هسته‌ای را آغاز کردند و لذا مشتریان مناسبی برای شرکت‌های هسته‌ای روسی به حساب می‌آیند. ترکیه و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از دیگر کشورها جلوتر هستند. اخیراً قراردادهایی نیز میان آن‌ها و برخی کشورهای دارای صنعت هسته‌ای امضاء شده است. از جمله امارات متحده عربی قراردادی را با فرانسه به امضاء رساند. روسیه نیز تمایل دارد تا در این مناقصه‌ها شرکت کند و از دیگر رقبای خود عقب نماند. به طور مثال پوتین در سفر ماه آوریل ۲۰۰۷ به عربستان و امارات متحده عربی پیشنهاد ساخت نیروگاه هسته‌ای را داد. روس‌ها حتی امیدوارند که در مناقصه‌های مربوط به ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای در مصر موفقیت‌هایی را کسب کنند(دیلمی معزی، ۱۳۸۹).

سال‌ها است که کشورهای عربی برای طرح‌های بلندپروازانه تلاش می‌کنند تا توسعه انرژی هسته‌ای غیر

نظامی را در دستور کار قرار دهند. این جاه‌طلبی‌ها سال‌ها شروع شده است در حالی که تولید و خالص‌سازی هسته‌ای در سراسر جهان در حال وقوع است و کشورهای منطقه خاورمیانه مانند مصر، به طور جدی سرمایه‌گذاری در این بخش را مورد توجه قرار داده‌اند.

این وضعیت در سال‌های اخیر در به کارگیری انرژی هسته‌ای با تغییراتی همراه بوده است و به نظر می‌رسد بسیار بیشتر از تلاش‌های گذشته امیدوارکننده است. اولین رآکتور هسته‌ای امارات متحده عربی در دست ساخت است. پس از پایان سال ۲۰۱۷، آن‌ها اولین کشور عربی برای توسعه ظرفیت تولید انرژی هسته‌ای خواهند بود.

عربستان سعودی با یک برنامه به آرامی وارد بازار هسته‌ای می‌شود و تا سال ۲۰۳۲ بلند پروازانه به ساخت ۱۶ رآکتور می‌پردازد تا ۱۶ گیگاوات برق تولید کند. دیگر کشورهای غیر عربی در منطقه نیز برنامه‌های مهم هسته‌ای را انجام داده‌اند. ایران دارای یک رآکتور در بوشهر است که از سال ۲۰۱۱ فعال بوده و نخستین کشور خاورمیانه است که موفق به راه‌اندازی یک نیروگاه هسته‌ای شده است.

مشارکت شرکت روس اتم در پروژه های هسته‌ای خاورمیانه			
ردیف	پروژه هسته ای	تعداد رآکتور	توضیحات
۱	نیروگاه بوشهر	۱	پروژه به بهره برداری رسیده است
۲	آکویو ترکیه	۴	آغاز فعالیت ها برای ساخت مرکز هسته ای
۳	بوشهر ۲ ایران	۲	آماده سازی مقدمات برای ساخت رآکتورها
۴	امرا اردن	۲	موافقت اولیه برای ساخت این دو رآکتور و مرکز هسته‌ای انجام شده است
۵	الدبا مصر	۲	توافق دو جانبه برای ساخت مرکز هسته‌ای با چهار رآکتور انجام گرفته است و در مرحله نخست دو رآکتور توسط روسیه ساخته می شود
۶	عربستان سعودی	۲	در مرحله ارائه مشاوره به عربستان
۷	ترکیه ۳	۴	در مرحله ارائه مشاوره به ترکیه

منبع: [iemed.org](http://iemed.org)

پس از تصویب طرح مشترک جهانی مشترک که گروه بین‌المللی ۳+۳ (ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلستان، آلمان به همراه اتحادیه اروپا) توافق شد که توسعه انرژی هسته‌ای در دستور کار قرار گیرد. بر همین اساس ترکیه در حال ساخت اولین رآکتور هسته‌ای خود است که قرار است در

## بررسی استراتژی سیاست توسعه هسته‌ای روسیه در خاورمیانه

سال ۲۰۲۰ به بهره‌برداری برسد و قصد دارد نیروگاه‌های هسته‌ایش را بعد از این سال توسعه دهد که این پروژه‌ها نیز با همکاری با روسیه در دست ساخت است.

دلایل اینکه کشورهای عربی به طور فزاینده‌ای گزینه هسته‌ای را در نظر دارند، متنوع است. رقابت با ایران انگیزه‌های لازم را برای کشورهای عربی در منطقه خلیج فارس فراهم کرده است، به ویژه برای مقایسه سرمایه‌گذاری‌های خود در فنآوری هسته‌ای. افزون بر این، واقعیت دیگر این است که صدای شک و تردید در جهان عرب درباره اهداف هسته‌ای ایران شنیده می‌شود و آن‌ها نمی‌خواهند از این بازی خارج شوند. اما، صرف نظر از رقابت‌های منطقه‌ای، انرژی هسته‌ای برای دولت‌های منطقه جذاب است، زمانی که آن‌ها استراتژی انرژی خود را به عنوان یک موضوع کلان در نظر می‌گیرند که این مورد برای کشورهای تولیدکننده نفت و غیر نفتی نیز صادق است. در کشورهایی مانند اردن، مصر و مراکش که منابع نفت و گاز آن‌ها محدود است، انرژی هسته‌ای می‌تواند تقاضای رو به رشد صنایع و افراد را برآورده کند. از سوی دیگر، کشورهای غنی از نفت، متوجه شده‌اند که وابستگی آن‌ها به نفت نمی‌تواند به طور نامحدود طولانی شود. در این زمینه، انرژی هسته‌ای پیش‌بینی آینده‌ای که ذخایر نفت خام به اتمام می‌رسد، یک استراتژی وسیع‌تر از تنوع در اقتصاد را گوشزد می‌کند.

در شرایط موجود که کشورهای عربی در حال مطالعه گزینه‌های هسته‌ای خود هستند، بازار جهانی تحولات قابل ملاحظه‌ای را طی می‌کند. شرکت‌های غربی و ژاپنی در این بخش عمدتاً بر رقابتی خود غلبه کرده‌اند، اما مزیت‌های آن‌ها به شدت کاهش یافته است؛ چالش‌های سیاسی، اقتصادی و مالی نمونه‌ای از مشکلاتی است که این شرکت‌ها با آن مواجه شده‌اند. آلمان نمونه‌ای از این تغییر است تا همین اواخر، ۱۶ درصد برق آلمان از انرژی هسته‌ای بدست می‌آمد. به تازگی، دولت آلمان تصمیم گرفته است که به تدریج و تا سال ۲۰۲۲ راکتورهای خود را خاموش کند. بعد از حادثه فوکوشیما در سال ۲۰۱۱، بخش هسته‌ای ژاپن دچار هرج و مرج شده است و همین عامل، بسیاری از کشورهای عربی را برای همکاری با کشورهای پیشرو در صنعت هسته‌ای با تردید مواجه کرده است. ایالات متحده در حدود ۲۰ سال یک راکتور هسته‌ای به مجموعه هسته‌ای خود اضافه نکرده است. حتی نیروگاه‌های هسته‌ای فرانسه که اکثر نیازهای انرژی این کشور را پوشش می‌دهد رکود جدی را تجربه می‌کند.

بر خلاف مشکلی که برخی کشورها در زمینه انرژی هسته‌ای با آن مواجه هستند، در سایر نقاط جهان، زمینه‌های زیادی برای توسعه این صنعت مهم ایجاد شده است. هند قصد دارد تولید انرژی هسته‌ای خود را ۲۵ درصد افزایش دهد. چین قصد دارد تا چندین سال آینده ۱۳ راکتور هسته‌ای جدید را راه‌اندازی کند. روسیه قصد دارد ظرفیت تولید انرژی هسته‌ای خود را تا سال ۲۰۳۰ دو برابر کند و ۵۰ درصد از تولید انرژی خود را تا سال ۲۰۵۰ به دست آورد. در واقع هدایت‌کنندگان بازار جهانی

انرژی هسته‌ای از مراکز سنتی به موارد جدید حرکت می‌کنند. روسیه، چین و به میزان کم هند در خط مقدم این تغییر بازار جهانی قرار دارند.

این سه کشور سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای را در زیرساخت‌های ملی انجام داده‌اند و صنایع هسته‌ای آن‌ها در حال توسعه است و همین موجب شده تا استراتژی توسعه و صادرات فناوری هسته‌ای به اولویت این کشورها تبدیل شود که چین و روسیه در این زمینه پیشرو هستند.

تقریباً یک سوم درآمد روس اتم از قراردادهای صادراتی حاصل می‌شود و بخش عمده‌ای از این درآمد هم ناشی از فروش محصولات اورانیوم است که عنصر کلیدی تجارت روسیه را تشکیل می‌دهد. روسیه قصد دارد تعداد قراردادهای ساخت راکتور هسته‌ای را افزایش دهد به طوری که ۴۰ درصد از صادرات هسته‌ای کشور در سال ۲۰۲۲ را تشکیل خواهد داد.

بر اساس آمار منتشر شده، در حال حاضر ۳۸ راکتور هسته‌ای در خارج از روسیه وجود دارد. به دلایل تاریخی و سیاسی، بیشتر این راکتورها در کشورهای اروپای شرقی قرار دارند. راکتورها بخشی از میراث شوروی سابق است یا به دلیل روابط نزدیک مسکو با کشورهای بلوک شرق که اغلب ساخته شده‌اند. توانایی روسیه در نفوذ و گسترش به مناطق دیگر و بازارهای جدید برای بخش هسته‌ای آن بسیار مهم است و این زمینه و فرصت استثنایی در شرایط کنونی به ویژه در خاورمیانه برای روسیه مهیا شده است.

فرصت‌های شغلی در خاورمیانه برای روسیه نکته قابل توجهی است که اگر هدف آن تبدیل شدن به یک بازیگر بزرگ در بازار هسته‌ای باشد در نتیجه، منطقه خاورمیانه حاصل تلاش‌های مداوم برای ترویج تکنولوژی روسیه خواهد بود. روس اتم در تلاش است تا به هر وسیله به نفع خود بازارهای راکتورهای هسته‌ای در ایران، مصر، اردن، ترکیه و عربستان سعودی را به دست آورد و به طور فعال در مراکش، عراق، الجزایر و امارات متحده عربی به دنبال فرصت‌های جدید باشد. اگر تمام این رایزنی‌ها منجر به موافقت‌نامه‌های تجاری شود، روسیه می‌تواند در ساخت بیش از ۱۶ راکتور در خاورمیانه مشارکت داشته باشد.

این نکته حائز اهمیت است که فناوری انرژی هسته‌ای به عنوان یک بخش استراتژیک در اقتصاد روسیه به رسمیت شناخته شده است و حتی از حمایت کامل دولت برخوردار است و این صنعت به صندوق‌های سرمایه‌گذاری دسترسی دارد. البته در این میان رهبران و سیاستمداران روسیه به طور فعال در ارتقاء صادرات هسته‌ای مشارکت می‌کنند و همکاری‌های هسته‌ای یک موضوع ثابت در جلسات ولادیمیر پوتین با رهبران کشورهای است که خواهان به دست آوردن این نوع انرژی هستند.

روسیه یک مزیت روشن دیگر هم دارد، زیرا علاوه بر ایجاد و ساخت راکتورهای هسته‌ای می‌تواند خدمات مربوط به چرخه سوخت را نیز به کشورهای متقاضی ارائه دهد. این کشور تضمین عرضه

## بررسی استراتژی سیاست توسعه هسته‌ای روسیه در خاورمیانه

سوخت هسته‌ای را در طول عمر راکتورهای خود، و نیز دفع زباله‌ها را تأمین می‌کند. در حال حاضر بخش قابل توجهی از خدمات مربوط به تولید سوخت ارائه شده توسط این کشور، ۴۰ درصد از بازار بین‌المللی برای غنی‌سازی اورانیوم را تشکیل می‌دهد و ۱۷ درصد از آن برای تولید سوخت هسته‌ای، در حال حاضر قابل توجه است.

توانایی روسیه برای ارائه راه حل‌های یکپارچه برای صنعت هسته‌ای که کل چرخه سوخت را پوشش می‌دهد برای بسیاری از تازه واردین به صنعت هسته‌ای جذاب است. ارائه مدل‌های مختلف مالی و مدیریتی که به حذف موانع می‌انجامد عملاً کشورهای خواهان دستیابی به انرژی هسته‌ای را با شرایط مناسبی روبرو می‌کند؛ به عنوان مثال، روسیه وام‌های بلندمدت و کم‌بهره را به متقاضیان دست‌یابی به صنعت هسته‌ای ارائه می‌دهد و همین امر مشوق خوبی برای جذب کشورها شده است و دولت‌های اردن و مصر با شرایط وام‌های مناسب ارائه شده توسط روسیه علاقه‌مند برای ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای شده‌اند.

با این حال توانایی سرمایه‌گذاری روسیه نه تنها به توانایی برای ارائه فن‌آوری‌های ارزان‌قیمت و خدمات هسته‌ای بستگی دارد بلکه یک سیاست مدون در این مسیر بسیار مهم است و دخالت نظامی اخیر روسیه در جنگ سوریه به شدت روابط خود را در منطقه تشدید کرده است و نارضایتی بسیاری از کشورهای عربی در مورد نقش سیاسی روسیه در منطقه را برانگیخته است. این فرآیند قطعاً شرایط موجود را پیچیده خواهد کرد و ممکن است مانع ایجاد ارتباطات پایدار در زمینه همکاری هسته‌ای در منطقه شود. این همان نکته‌ای است که به وضوح در زمان همکاری هسته‌ای بین روسیه و ترکیه به دلیل ناکامی روابط دو کشور در نتیجه اختلافات سیاسی در سوریه در یک بن‌بست قرار گرفت، آشکار شد. برای دستیابی به تلاش‌های هسته‌ای روسیه در منطقه خاورمیانه، این نکته بسیار مهم است که کشوری به عنوان یک شریک قابل اعتماد در درازمدت دیده می‌شود که علاوه بر سیاست، فن‌آوری و اقتصاد را در کنار آن داشته باشد (Elbahtimy, 2017).

این موضوع نشان می‌دهد که مسکو برای تقویت موقعیت خود در خاورمیانه برخلاف گذشته هدفمند و با صبر و درایتی بیشتر به دنبال تأمین منافع بلندمدت خود است و به همین دلیل از استراتژی سیاست توسعه هسته‌ای در خاورمیانه بهره می‌گیرد. مسلماً این برنامه برای کشورهای خاورمیانه جذابیت‌های غیرقابل انکاری را ایجاد کرده است و همین امر زمینه‌ای را برای توسعه همگرایی بین روسیه و کشورهای خاورمیانه ایجاد کرده است و نتیجه چنین فرآیندی می‌تواند به تثبیت نفوذ مسکو در خاورمیانه منتهی شود.

## نتیجه‌گیری

تلاش روسیه طی سال‌های اخیر برای حضور در منطقه خاورمیانه از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. اما نطقه عطف این موضوع به مداخله نظامی روسیه در جنگ سوریه و مبارزه با تروریسم برمی‌گردد که شرایط این جنگ را به سمت دیگری سوق داد. به طور سنتی روسیه در نظام بین‌الملل و پس از فروپاشی نظام دوقطبی همواره تلاش کرده است مقابل یک‌جانبه‌گرایی آمریکا توازنی ایجاد کند و همواره در عرصه بین‌المللی از منطقه چندجانبه‌گرایی حمایت کرده است. با توجه به رویکرد روسیه در نظام بین‌الملل و رقابتی که با آمریکا در پیش گرفته است، می‌توان دریافت مسکو از ابزار سیاست خارجی و توانمندی‌های خود در حوزه انرژی، سیاست، تسلیحات نظامی و اقتصاد برای تثبیت موقعیت و نفوذ خود در منطقه خاورمیانه بهره می‌گیرد، به این معنی که اگر روسیه در جنگ سوریه مداخله می‌کند و از قدرت نظامی بهره می‌گیرد، اما در سایر بخش‌ها تلاش می‌کند از قدرت نرم خود همچون توسعه فناوری هسته‌ای، فروش تسلیحات نظامی و تقویت مراودات اقتصادی دو یا چند جانبه در خاورمیانه بهره گیرد تا میزان مشروعیت و اعتبار و اعتماد به این کشور ارتقاء یابد.

با اینکه در مورد سیاست خارجی روسیه در قبال خاورمیانه نگرش‌های متفاوتی همچون رویکرد سیاسی، اقتصادی و امنیتی مطرح است، اما روسیه پس از تحولات عربی و بروز درگیری‌های سخت در خاورمیانه به مساله مهمی پی برد که تشدید التهاب و نزاع در این منطقه مسکو را در آینده با تهدیدات امنیتی جدی در آسیای مرکزی و قفقاز مواجه می‌کند و این عدم حضور در تحولات خاورمیانه از سوی روسیه احساس می‌شد، مسکو دریافته است که بیش از این نمی‌تواند تنها نگاهی ژئوپلیتیکی به منطقه خاورمیانه داشته باشد، هرچند این نگرش در رفتار روسیه مشهود است، اما مسکو تلاش می‌کند از ظرفیت‌های موجود در خاورمیانه در حوزه‌های مختلف به نفع راهبردهای کلان خود در سیاست خارجی بیشتر بهره گیرد.

در این تحقیق تلاش شد موضوع سیاست توسعه هسته‌ای روسیه در خاورمیانه با توجه به راهبرد کلان سیاست خارجی روسیه در قبال این منطقه بررسی شود، در این باره می‌توان اذعان داشت که روسیه در چارچوب چندجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل برای تثبیت موقعیت سیاسی، افزایش وجهه بین‌المللی و ایجاد توازن با آمریکا در خاورمیانه از قدرت نرم و ابزارهای متنوع خود در حوزه سیاسی و اقتصادی بهره می‌گیرد تا اهداف کلان تامین گردد. می‌توان از رفتار روسیه در خاورمیانه دریافت که مسکو با درک موقعیت منحصر به فرد خاورمیانه به لحاظ بازار انرژی، پتانسیل مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، از منظر سیاسی و امنیتی دارای ویژگی‌هایی است که نمی‌تواند آن را نادیده گیرد، از همین رو روسیه تلاش می‌کند در کنار سایر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حاضر در خاورمیانه با تعمیق روابط با کشورهای این منطقه، به یک ثبات رفتاری و راهبردی دست پیدا کند.



## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

اطهری، اسدالله، بهمن، شعیب (۱۳۹۰)، «روسیه و خاورمیانه جدید، راهبردها و چالش‌ها»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، شماره ۱۷، زمستان، صص ۳۳-۶۴.

دیلمی معزی، امین (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه در دهه اول قرن بیست و یکم»، **دوفصلنامه موسسه مطالعات ایران و اوراسیا**، سال پنجم، شماره ششم، بهار و تابستان، صص ۹۵-۸۱.

رضایی، علیرضا (۱۳۸۷)، «چین و موازنه نرم برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین‌الملل»، **فصلنامه راهبرد یاس**، شماره ۱۶، صص ۲۹۸-۲۸۱.

رضایی، علیرضا (۱۳۹۱)، **نظم بین‌المللی در تئوری و عمل**، همدان: نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

سهرابی، محمد (۱۳۹۲)، «سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه»، **پژوهشنامه روابط بین‌الملل (مطالعات روابط بین‌الملل)**، دوره ۷، شماره ۲۵، بهار، صص ۱۴۴-۱۱۳.

شعیب، بهمن (۱۳۹۲) «بازخوانی سیاست‌های خاورمیانه‌ای روسیه پس از تحولات انقلابی منطقه»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال چهاردهم، شماره ۵۳، به نقل از کتابخانه دیجیتال دید به آدرس <http://www.did.ir/catalog/index.aspx?cn=674307D>

صفری، مهدی (۱۳۸۴)، **ساختار و تحولات سیاسی در فدراسیون روسیه و روابط با جمهوری اسلامی ایران**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

کرمی، جهانگیر، نوری، علیرضا (۱۳۹۱)، «روسیه، تحولات عربی و چالش سیستمی در خاورمیانه»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۷۸، تابستان، ۱۹۱-۱۶۷.

کولایی، الهه و نوری، علیرضا (۱۳۸۹)، «عمل‌گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه»، **فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۴۰، شماره ۲، تابستان، صص ۲۲۸-۲۰۹.

کیانی، داوود (۱۳۸۷)، «سیاست روسیه در خاورمیانه: محورها و محرکها»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۴۷، ۳۸۰-۳۶۷.

### ب) منابع انگلیسی

Elbahtimy, Hassan (2017), **La Russie, les Arabes et l'énergie nucléaire**, [http://www.iemed.org/observatori/arees-danalisi/arxius-adjunts/afkar/afkar-3/tendances\\_economiques\\_Russie\\_Arabes\\_energie\\_nucleaire\\_Hassan\\_Elba](http://www.iemed.org/observatori/arees-danalisi/arxius-adjunts/afkar/afkar-3/tendances_economiques_Russie_Arabes_energie_nucleaire_Hassan_Elba)

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال دوازدهم، شماره ۴۷، بهار ۱۳۹۹

htimy\_afkar53.pdf.